

جمهوری اسلامی مسئول کلیه مصائب سیل است

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



بهنام ابراهیم زاده بار دیگر به ۶ سال حبس محکوم شد مبارزه ای متحد برای لغو حکم شش سال زندان بهنام ابراهیم زاده!

نسان نویدینیان

خبر: «بهنام ابراهیم زاده بار دیگر به ۶ سال حبس محکوم شد. بهنام ابراهیم زاده، که روز دوشنبه ۱۳ بهمن ماه با سپردن وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است.»

محکومیت چندباره بهنام ابراهیم زاده به ۶ سال حبس برای کارگران، نهادهای مدافع حقوق کودک خبر تکان دهنده ای است. حکم محکومیت شش سال به بهنام ابراهیم زاده باید با اعتراض کوبنده کارگران و فعالین کارگری و نهادهای کودکان و مردم در سطح سراسری و خانواده های زندانیان سیاسی جواب بگیرد. حکومت اسلامی را باید بعقب راند، عقب راندن رژیم و مبارزه برای لغو حکم شش سال بهنام ابراهیم زاده را باید سازماندهی کرد.

جای بهنام ابراهیم زاده زندان نیست! بهنام ابراهیم زاده مدافع سرسخت و پیگیر حقوق کارگران و کودکان است. از یاران دلسوز زلزله زدگان کرمانشاه است. بهنام ابراهیم زاده، متولد ۱۳۵۴ در شهر اشنویه و ساکن تهران، فعال کارگری و صفحه ۳

روز جهانی زن درخشانترین روز اسفند ماه

صفحه ۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نویدینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

اطلاعیه های حزب

*مردم سیل زده گلستان و مازندران به کمک فوری نیاز دارند!
*جمهوری اسلامی کمک های مستقیم مردم به سیل زدگان شمال کشور را ممنوع کرد
کمک رسانی مستقیم مردمی را باید گسترش داد

صفحه ۷

فرار برهم صالح رئیس جمهور عراق از حمله و خشم مردم داغ دیده شهر موصل

صفحه ۸

عبدال گلپریان

پیام اسماعیل بخشی از زندان مرکزی اهواز بمناسبت نوروز و سال جدید

صفحه ۲



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمهوری اسلامی مسئول کلیه مصائب سیل است

اسکان دادن به آوارگان سیل و قرار دادن مواد خوراکی و پوشاک و غیره به یاری هموعان خود شتافته و وقتی به ابلاغیه دادستان کشور نگذاشته اند. این همیاری ها را باید هرچه بیشتر سازمان داد و گسترش داد.

حزب کمونیست کارگری به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند صمیمانه تسلیت میگوید و کلیه کارگران، معلمان و دانشجویان، بازنشستگان و کلیه تشکل های مردمی را فرامیخواند که فعالانه برای سازماندهی اعتراض علیه حکومت و سازماندهی کمک رسانی به سیل زدگان پیشقدم شوند و همبستگی و اتحاد را در میان خود تحکیم کنند. هر درجه اتحاد و همبستگی، مردم را برای سرنگونی حکومت کثیف اسلامی آماده تر میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انسانیت و
همبستگی انسانی
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ فروردین ۱۳۹۸
۲۵ مارس ۲۰۱۹

امام جماعت ها کرده است، صدها میلیارد دلار صرف سپاه و بسیج و سربازان بدنام امام زمان و یا صرف جریانات تروریست و مرتجع اسلامی در یمن و عراق و افغانستان و سوریه و فلسطین کرده است، اما يك صدم اینها را صرف پیشگیری از خطرات و صرف رسیدگی به مشکلاتی که خود مسبب آن بوده است نکرده است. هنوز پس از شانزده ماه تعداد زیادی از زلزله زدگان سر پل ذهاب در چادر و کانکس زندگی میکنند و سیل مجدداً به همین به اصطلاح زندگی آنها آسیب رسانده است.

در سراسر کشور باید دست به اعتراض زد. باید در مقابل ارگان های دولتی تجمع کرد و خواهان رسیدگی فوری به سیل زدگان در سراسر کشور شد. باید حکومت را بخاطر جلوگیری از کمک های مردمی شدیداً محکوم کرد. باید خواست که کلیه خسارات مردم تماماً از خزانه دولت تامین شود. همزمان باید شبکه های همیاری در سراسر کشور را گسترش داد. فی الحال مردم در نقاط مختلف با

درد و نرنج و نگرانی مردم در استانهای مختلف کشور به مرز غیر قابل تحملی رسیده است. دهها نفر در استانهای شمالی و خوزستان و در شیراز و سرپل ذهاب جانشان را از دست داده اند. صدها نفر مجروح شده اند. هزاران خانه ویران شده، خودروهای بسیاری از مردم از بین رفته و نگرانی از ادامه سیل و شکستن سدهای فرسوده و سایر مصائب سیل میلیون ها نفر را فراگرفته است. مشتتی دزد و مخفخور در عرض چهل سال بجز تخریب محیط زیست و زندانی کردن فعالین محیط زیست، بجز لاقیدی و بی توجهی به طبیعت و جامعه، بجز جنگل خوار و سدسازی های غیرکارشناسانه، کاری نکرده اند. نه اقدام پیشگیرانه ای در مقابل سیل و زلزله انجام داده اند و نه بدنبال این حوادث کاری برای کاهش مشقات مردم کرده اند. مردم بدرست اوپاش فاسد حاکم و نظام دزدسالار اسلامی و مقامات ریز و درشت آنرا مسئول همه بدبختی های خود میدانند.

مشکل عدم مدیریت نیست. مشکل بی توجهی این مقام و آن استاندار و آن فرماندار نیست. این کل حکومت و نظام بیرحم و کثیف و رذل اسلامی است که عامل کلیه این مصائب است.

جمهوری اسلامی صدها میلیارد دلار صرف تکنولوژی اتمی و موشکی و جاسوسی علیه مردم کرده است، صدها میلیارد دلار صرف مساجد و امازاده ها و مقبره خمینی و گله های آخوند و

پیام اسماعیل بخشی از زندان مرکزی اهواز بمناسبت نوروز و سال جدید

“راز زندگی در سعادت است

راز سعادت در شادی

راز شادی در سلامت است

پس شاد باشید و سلامت... .

زندگی چیزی جز رنج نیست

معنای زیستن را در رنج می یابیم

پس بیائید در رنج ها، بر رنج ها بخندیم”... .

سبزی ات پایدار هفت تپه، سبز بمان و آن روز که دیگر سبز نباشی، روز مرگ من است.

همکاران عزیزم، هفته تپه، سرزمین سبزم

طبیعت در فصلی می میرد و در فصلی دیگر دوباره شقایق ها، گل ها و سرسبزی ها قد می کشند بنگر که دگرگونی، تغییر و ساختن فردای بهتر سرفصل روشن سال است.

از پشت میله های زندان به طبقه کارگر، دانشجویان، دادفران و همه عدالت طلبان و برابری خواهان درود میفرستم، نوروز را شادباش می گویم. چه بگویم که واژه ها برای قدرانی از حمایت مردم عزیز، خواهران و برادرانم، بی وزن هستند.

به امید آزادی، برابری و عدالت

دوستدار مهتران/اسماعیل بخشی؛ کارگر هفت تپه از زندان مرکزی شهرستان اهواز
کانال مستقل کارگران هفت تپه

پیام از سازماندهان امداد رسانی مردمی - استان گلستان:

“اکثر محموله های ارسالی توسط مردم، مواد خوراکی و بهداشتی می باشد. آنچه در این مرحله مضاف بر اقلام فوق، ضرورت مصرفی دارد؛ پتو، چکمه و لوازم روشنایی می باشد.”



زنده باد همبستگی مردم برای
کمک رسانی به سیل زدگان!

مصائب سیل تماماً به عهده حکومت است!



حکومت باید کلیه خسارت هایی که مردم دیده اند جبران کند!

جمهوری اسلامی مسئول کلیه مصائب سیل است

مشتی دزد و مخفخور در عرض چهل سال بجز تخریب محیط زیست و زندانی کردن فعالین محیط زیست، بجز لاقیدی و بی توجهی به طبیعت و جامعه، بجز جنگل خوار و سدسازی های غیرکارشناسانه، کاری نکرده اند. نه اقدام پیشگیرانه ای در مقابل سیل و زلزله انجام داده اند و نه بدنبال این حوادث کاری برای کاهش مشقات مردم کرده اند. مردم بدرست اوپاش فاسد حاکم و نظام دزدسالار اسلامی و مقامات ریز و درشت آنرا مسئول همه بدبختی های خود میدانند.

مشکل عدم مدیریت نیست. مشکل بی توجهی این مقام و آن فرماندار نیست. مشکل مرخصی این استاندار و آن فرماندار نیست. این کل حکومت و نظام بیرحم و کثیف و رذل اسلامی است که عامل کلیه این مصائب است.



روز جهانی زن درخشانترین روز اسفند ماه

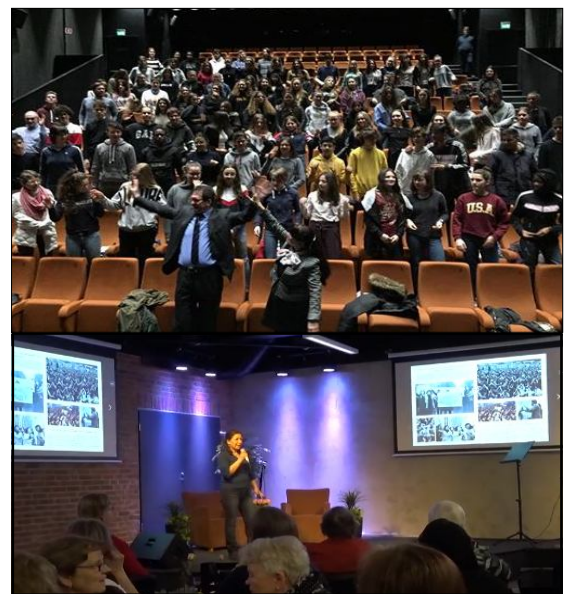


روز جهانی زن امسال متفاوت بود. در سطح سراسری کارخانه و خیابان و محله‌های کار با برگزاری مراسمهای روز جهانی زن بهم وصل شدند. هزاران نفر از جنبش رهایی زن در داخل کشور و در اروپا مراسمهای باشکوهی را در روز جهانی زن برگزار کردند. در تعداد زیادی از شهرهای اروپا در سوئد، در آلمان در فنلاند و در ایتالیا فعالین و کادرهای حزب کمونیست کارگری با سخنرانی های گرم و پر شور با برپایی نمایشگاه های عکس از ۴۰ سال مبارزه زنان آزادیخواه علیه ستم کشی و علیه حکومت اسلامی حکومت ضد زن توجه افکار عمومی در خیابانها و سالن های بزرگ را به فراخوان رهایی از حکومت اسلامی سرمایه و ضد

زن گوش دادند. در خیابان و سالنهای بزرگ برای سخنرانان جنبش رهایی زن و کادرهای حزب کمونیست کارگری، برای نسرین رمضانعلی در سه شهر «پوردونو»، «ساجیله و سان کویونیو» در ایتالیا، برای عزیزه لطفی در هلستینگی فنلاند کف زدند و به احترام و بیاس ۴۰ سال مبارزه مداوم و پیگیر زنان آزادیخواه بپا خاستن و با شغف و شور از سخنرانی ها استقبال کردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از تمامی فعالین حزب در کردستان و از این دو عزیز نسرین و عزیزه صمیمانه قدردانی میکند.

۲۴ مارس ۲۰۱۹



هزاران نفر از جنبش رهایی زن در داخل کشور و در اروپا مراسمهای باشکوهی را در روز جهانی زن برگزار کردند.

بهنام ابراهیم زاده بار دیگر... از صفحه ۱



عضو «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» است که پیشتر در خردادماه سال ۱۳۸۹ به دلیل فعالیت مربوط به حقوق کارگران و حقوق کودکان کار بازداشت شده بود. بهنام ابراهیم زاده، بعد از ۴ ماه بازجویی در سلول های انفرادی زندان اوین به بند ۳۵۰ این زندان منتقل شده بود. وی در دی ماه سال ۱۳۸۹ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ۲۰ سال حبس محکوم شد که بعدها این حکم در دادگاه تجدید نظر تهران به ۵ سال کاهش پیدا کرد. بهنام ابراهیم زاده، در حالی که دوران حبس خود را سپری می کرد مجدداً با پرونده دیگری مواجه شد. در سال ۱۳۹۳ با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع، تبانی و اقدام علیه امنیت ملی» و «استفاده از تجهیزات ماهواره و نگهداری پاسور» مجدداً به ۹ سال و ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد. این حکم پس از اعتراض و در مرحله تجدید نظر به ۷ سال و ۱۰ ماه و ۱۵ روز حبس تعزیری و ۴۵۰ هزار تومان جریمه نقدی کاهش پیدا کرد. بهنام ابراهیم زاده، در ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶ بعد از سپری کردن ۷ سال حبس در زندانهای اوین تهران و رجایی شهر کرج آزاد شد.

بهنام ابراهیم زاده را با اتهام و عناوین ساختگی تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های تلگرامی معاند نظام زندانی کرده اند. دستگیری های دور اخیر به منظور جلوگیری و عدم دخالتگری فعالین اجتماعی و کارگری صورت

میگیرد. این دستگیری ها برای مرعوب کردن مردم و کارگران و فعالین اعتراضات انجام شده است. جنبش کارگری و مردم برای گرفتن حقوق خود و دستیابی به خواستههایشان در ابعادی گسترده در سه سال گذشته بمیدان آمده اند. حکومت اسلامی با دستگیری و احضار و احکام زندان بخیال خود و با هدف جلوگیری از اعتراضات و عقب راندن و ساکت کردن مردم معترض، به فعالین موثر کارگری، معلمان، زنان و مدافعین حقوق کودکان و فعالین زیست محیطی حمله میکند، زندگی و مبارزه آنها را بگروگان گرفته و زندان میندازد. اما، مردم و کارگران یاد گرفته اند که در صورت عدم حضور سخنگویان و فعالین اعتراضات، مبارزه را ادامه دهند و هم اکنون در بخشهای زیادی از مراکز تولیدی و کارگری در میان معلمان و دانشجویان اعتراضات کوبنده در جریان است. اعتصابات گسترده و سراسری معلمان در بیش از ۱۱۰ شهر صورت گرفت، مراسمهای باشکوه روز جهانی زن در تهران و چندین شهر و در مراکز کارگری برگزار شد و استقبال وسیع جامعه از حضور در مراسمهای روز جهانی زن تصویر قدرتمند کارگران، معلمان و جنبش رهایی زن را در جامعه به تصویر کشید و مردم در اسفند ماه اعتصاب و اعتراضات موفقی را تجربه کردند. اسفند ماه با حضور گرم و با انرژی کارگران و معلمان تمام قد علیه حکومت اسلامی ایستاد. این دستگیریها روی فضای فعال سیاسی در جامعه تاثیر

نداشته و همچنان جنبشی وسیع و سیاسی علیه حکومت اسلامی در جریان است.

یک عرصه مهم در شرایط کنونی، مبارزه علنی - تعرضی و کیفی خواستههایی است که علیه امنیتی کردن فعالیتهای کارگران، زنان، معلمان، مدافعین حقوق کودکان کار و خیابانی و مدافعین محیط زیست سالم و سایر مردم آزادخواه در جریان است.

برای لغو احکام زندان و شلاق کارگران و معلمان و نهادهای مدنی باید جنگید! همه جا در میتینگ و اعتراضات خواهان لغو فوری حکم شش سال زندان بهنام ابراهیم زاده شویم.

بهنام تنها نیست او در قلب هزاران کودک خیابانی و کارتن خواب جای دارد، بهنام ابراهیم زاده، شخصیتی محبوب و محصول دستاوردهای همبستگی انسانی هزاران نفر از مردم در کردستان و در سطح سراسری با زلزله زدگان است. پیش بسوی مبارزه ای متحد برای لغو حکم شش سال زندان بهنام ابراهیم زاده!



برای لغو احکام زندان و شلاق کارگران و معلمان و نهادهای مدنی باید جنگید! همه جا در میتینگ و اعتراضات خواهان لغو فوری حکم شش سال زندان بهنام ابراهیم زاده شویم.

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

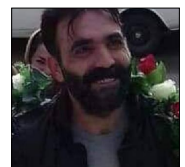
نسان نودینیان

در ستون نگاه هفته ایسکرا شماره (۹۸۱) اخبار متنوعی را پوشش داده ام. چند فعال اجتماعی و کارگری آزاد و یا دستگیر شده اند. خبر مهم و تاثیر پذیر تهیه طوماری است که مردم سنندج در دفاع از اسماعیل بخشی و علیه شکنجه تهیه شده است. فراهان ما این است مردم کردستان وسیعا و فعالانه اقدام به تهیه طومار و پیوستن به امضا طومار کنند. جمع آوری طومار و امضا در دفاع اسماعیل بخشی علیه شلاق فعالین کارگری و مدنی اهمیت بالایی دارد. هم اکنون جنبش وسیعی برای دادخواهی و علیه شکنجه و فعالین کارگری و مدنی در سطح سراسری در جریان است. مردم سنندج با تهیه طومار استارت یک اقدام مهم را زدند. به این کمپین مهم علیه شکنجه و در حمایت از اسماعیل بخشی بپیوندید.

انتشار ایسکرا همزمان است با رویداد فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه و جانباختن بیش از ۵ هزار نفر و جانباختن رفقای رزمنده و کمونیست گردان شوان. در این رابطه نوشته ای بسیار خوب از رفیق عبه سیدمرادی و همچنین کامنت بسیار انسانی و احساسی از او را منتشر کرده ام.

در حالی که مردم شهر سنندج به استقبال سال نورفتند! با امضای طوماری در حمایت از اسماعیل بخشی رهبر اعتصاب کارگران هفت تپه نشان دادند در این لحظات پایانی سال در کنار زندانیان سیاسی هستند، نشان دادند در کنار خانواده اسماعیل بخشی و سایر فعالینی هستند. که به اتهامات واهی "بخطر انداختن امنیت ملی" در زندان هستند. جای جعفر اعظم زاده، سپیده قلیان، اسماعیل بخشی، اسماعیل عبیدی، محمد حبیبی، اتنا دائمی، گلرخ ایرانی و... زندان نیست آنها باید در کنار فرزندانمان، پدر، مادر، همسر، خواهر و برادرانشان همراه کارگران و مردم در جشن های سال نو حضور داشته باشند. زنده باد آزادی و برابری رفاه

اقبال شعبانی فعال کارگری و عضو سندیکای خبازان و بازرسی سندیکا با قید وثیقه ۱۰۰ میلیونی آزاد شد!



اقبال شعبانی فعال کارگری شهر سنندج و بازرسی سندیکای خبازان این شهر با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. جای فعالین کارگری زندان نیست، تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوری و بدون قید شرط آزاد شوند!

کمیته کردستان حزب آزادی اقبال شعبانی را صمیمانه به کارگران و مردم و به سندیکای خبازان شهر سنندج تبریک میگوید!

دهمین مجمع عمومی
گروه کوه نوردان چل چمه

جمعه ۲۴ اسفند (۱۵ مارس ۲۰۱۹) دهمین مجمع عمومی گروه کوه نوردان چل چمه با حضور تعداد زیادی از زنان و مردان ورزش دوست و کوه نوردان شهر سنندج برگزار شد.

۴ فروردین ماه رضا امجدی فعال کارگری
شهر سنندج با تودیع وثیقه سی میلیونی
موقتا آزاد گردید!

ما دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی را محکوم میکنیم و اعلام میکنیم، جای فعالین کارگری، فعالین اجتماعی زندان نیست. خواهان لغو فوری تمامی اتهامات امنیتی بر پرونده های فعالین هستیم!

نیروهای اداره اطلاعات یک فعال
کارگری را در شهر سنندج بازداشت و به
مکان نامعلومی منتقل کرده اند.

روز جمعه (۲ فروردین ۹۸)، نیروهای اداره اطلاعات شهر سنندج رضا امجدی، از فعالین کارگری اهل حسن آباد این شهر را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند. به گفته یک منبع مطلع، نیروهای امنیتی در حین بازداشت رضا امجدی اقدام به ضرب و شتم این شهروند سالخورده نمودند.

با گذشت دو روز از بازداشت رضا امجدی، هیچ خبری از سرنوشت وی در دست نمی باشد. رضا امجدی در سال ۹۴ پس از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بازداشت و به تحمل ۳

ماه حبس محکوم شده بود و در ۱۹ شهریور ماه همان سال پس از اتمام دوران محکومیتش از زندان آزاد شده بود.

تجمع اعتراضی کارمندان و کارگران
شهرداری سنندج

تجمع اعتراضی کارمندان و کارگران شهرداری سنندج در اعتراض به ۶ ماه حقوق معوقه در مقابل ساختمان شهرداری با برخورد خشونت بار نیروی انتظامی مواجه شد.

حادثه رانندگی جان پرویز پیری پور
کارگر زحمتکش

بعداظهر روز ۲۸/۱۲/۹۷ پرویز پیری پور کارگر زحمتکش اهل روستای اوپهنگ ساکن دماوند که در حال برگشت به روستا بود در جاده گردنه صلوات آباد که در چند کیلومتری حاشیه شهرستان سنندج قرار دارد. با ماشین خود دچار سانحه رانندگی میشود و جان خودش را از دست میدهد. پرویز ۳۵ ساله و دارای همسر و فرزند میباشد. اینگونه حوادث برای کارگران مهاجر و فصلی این روستا و دیگر روستاهای اطراف یکی دو مورد نیستند. بلکه در سال به دفعات مکرر تکرار و قربانی اثرات تبعیض و نابرابری قرار می گیرند.

دیداری مجدد
بر سر مزار عزیزان برای دادخواهی

امسال هم به رسم هر سال خانواده های اعدام شدگان تابستان ۶۷ سنندج و خانواده عزیزان گردان شوان روز جمعه ۲۴ اسفند بر مزار جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم حضور به هم رساندند و داد و فریاد عدالت خواهیشان را علیه جمهوری آدم کش اسلامی به نمایش گذاشتند.

علیرغم تلاش و اقدام جنایتکارانه رژیم اعدام برای تخریب و از بین بردن آثار جنایت علیه بشریت، خانواده ها اما سالهای متصادی مقاومت کرده و از این تصمیم و اقدامات جلوگیری کرده اند.

امسال مادر داغیده رامین حسین پناهی هم در محل حضور داشته و گفته بود که محل دفن رامین هنوز برای ما مشخص نشده و میخوایم در کنار شما خانواده های داغیده

یاد همه جانباختگان را گرامی بداریم و فریاد دادخواهیمان را مکرر بلند کنیم و بگوییم که فراموش نمیکنیم.

عکس متعلق به دیدار خانواده ها در روز جمعه این هفته میباشد که دایه شریفه مادر رامین حسین پناهی و پدرم در آن دیده میشود که بر مزار رفیق جانباخته جمال اسکندری ایستاده اند.

یاد همه زنان و مردان کمونیست و آزادیخواه گرامی و عزیز است.

عبه سیدمرادی

به یاد جانباختگان کمونیست
گردان شوان

عبه سید مرادی

در ۱۷ و ۱۸ مارس ۱۹۸۸ در چنین روزهایی جمعی از پیشمرگان کومله در اطراف شهر حلبچه و در جریان جنگ ارتجاعی و ویرانگر ایران و عراق مورد حمله بمباران شیمیایی قرار گرفتند، بمباران شیمیایی که رژیم جنایت پیشه بعث صدام بر روی شهر حلبچه و اطراف انجام داد که منجر به آن فاجعه عظیم انسانی شده بیش از ۵۰۰۰ نفر زن و مرد و کودک خردسال مظلومانه جان باختند. پیشمرگان کومله که بر اثر بمباران شیمیایی مسموم شده بودند بعثت تصمیمات غلط و دیررس و انتظار اقدام نجات از طریق قایق و عبور از روی رودخانه سیروان که قایقها هم مورد حمله قرار گرفتند و آنجا هم رقیابی جان باختند، سه روز وقت طلایی را از دست دادند.

عاقبت پس از سه روز نیروهای درنده جمهوری اسلامی که به کمک احزاب و دسته های ناسیونالیست کرد عراقی وارد منطقه حلبچه شده بودند به آنان حمله کردند و اکثر آنان در آن مصاف بشدت نابرابر، جان خود را از دست دادند و جمعی دیگر از این زنان و مردان کمونیست وفادار که اسارت درآمدند که در جریان قتل عامهای تابستان سال ۶۷ در اسارتگاههای زندان سنندج به دار اعدام سپرده شدند. همبندان آنان که بعدها از زندان آزاد شدند تعریف میکردند که هنگامیکه این رزمندگان کمونیست با چشم بند و دست و پای زنجیر بسته راهی میدان اعدام بودند؛ با سر دادن شعار زنده باد سوسیالیسم هم مرگ و هم جانیمان را غرق حقارت کردند.

مرگ و جانباختن این دهها رزمنده کمونیست، جدا از اینکه زخم عمیقی بر قلب خانوادههایشان بود، کارگران و مردم زحمتکش کردستان جمعی از پیشروان خود را از دست دادند. برای ما همزمانشان، برادران و خواهران و همکلاسیهایشان چنین بود که تعداد زیادی از چهره های دوست داشتنی و خستگی ناپذیر راه آزادی و سوسیالیسم را از دست دادیم. تاثیرات و شوک این خسارت انسانی هنوز بر طرف نشده است.

برافراشتن پرچم اقلیم کردستان پس از پیروزی بر حریفش در مسابقه‌ای با تیم کیک بوکسینگ اصفهان، توسط نیروهای امنیتی در سنجند بازداشت شد و شاهد اجرای حکم جرمه نقدی محکومیت لیلا میرغفاری بودیم. ***

تحمل ۹۹ ضربه شلاق را علیه رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس صادر کردند. همچنین در این ماه آرزو میرکی، ورزشکار زن اهل سنجند و عضو تیم کیک بوکسینگ شهر سوران اقلیم کردستان عراق، در پی

مستقل و نه از طریق نهادهای حکومتی بین مردم توزیع کنند. ما فراموش نمی‌کنیم بخش اصلی این مصیبت‌ها ناشی از ندانم کاریها و غارتگریهای حاکمان طی دهه‌ها حکومت نالایق شان بوده است و لعن و نفرین مردم داغدار قطعا متوجه همین همین خیانت کاریهاست.

راحله راحمی پور
فروردین ۹۸

کودک آزاری

در روزهای پایانی سال گذشته، دو دختر ۱۲ و ۱۴ ساله برای فرار از تنبیه بدنی توسط پدرشان، از طبقه پنجم ساختمان محل سکونت خود به پایین پریدند و به شدت مجروح شدند. حال یکی از دو کودک وخیم گزارش شده است.

در تاریخ ۲۸ اسفندماه ۹۷، دو کودک اهل استان لرستان و ساکن شهریار کرج خود را از طبقه ۵ ساختمان محل سکونتشان به پایین انداختند.

این دو خواهر که مریم ۱۲ ساله و شیوا ۱۴ ساله نام دارند، پس از آنکه توسط مادرشان تهدید به تنبیه بدنی توسط پدرشان شدند، به محض ورود پدر به خانه، از پنجره طبقه پنجم به پایین پریده و به شدت مجروح شدند.

گزارش ماهانه؛

نگاهی اجمالی به وضعیت حقوق بشر در اسفند ماه ۹۷
ازدواج کودکان زیر سن ۱۸ سال در سال گذشته
در سالی که گذشت (اول فروردین ۱۳۹۷ تا ۲۸ اسفند ۱۳۹۷) ثبت ازدواج حداقل ۶۰۰ هزار کودک گزارش شده است

پرونده نماینده ملکان



سرانجام پرونده جنجالی نماینده ملکان و زهرا نوبیدپور در حالی که زن قربانی دیگر در قید حیات نیست به صدور رای رسید. قضات متهم را از تجاوز میرا دانستند و اتهام وی را به رابطه نامشروع "دون زنا" تقلیل دادند و بر همین اساس حکم ۲ سال انفصال از خدمت، ۲ سال تبعید و

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



نامه سبیده قلبان، فعال سیاسی از زندان سپیدار اهواز به همراه یک نقاشی به مناسبت سال نو



دل‌م از مشعل‌های نور فروزان شد
شماره‌ام را به دیوارها نوشتند
دیوارها به چمنزارهای سبز بدل

شد

سلام،
حس می‌کنم یک لایه از قلبم را برداشته‌ام. امروز آفتاب به صورت عمود به چشمانم تابید و یک آن همه چیز سیاه شد. من از دنیای صداها به سپیدار آمدم...

صدای تق تق دمپایی و باز شدن در سلول و کسی که می‌گوید: «ببین! کلنت رو به حال خودش نذار. دو سه روزی یه بار بشورش...»

حالا تمام این صداها جای خودشان را به تصاویر داده‌اند. دلتنگ می‌شوم اما به هیچ عنوان اندوهگین نیستم؛ البته نه به این معنی که شادم‌انم. بیش از هر چیز واهمه دارم. ترسی عین بختک به جانم افتاده است که می‌آید به واسطه اتهام یا مسائلی از این دست خود را تافتای جدا بافته بدانم و مرزی بین خود و خواهران گرفتار در بندم ایجاد کنم. تمام تلاشم این است که در رنج‌شان سهیم باشم و برای همین نه دیدگر آزادی به قید وثیقه براریم اهمیت دارد نه اصلا به این مسئله فکر می‌کنم

فرصت گریستن ندارم. با تمام توانم سعی می‌کنم برخیزم. البته که در این مدت ننشستم اما انتظارم از خودم بیشتر از این حرف‌هاست. حالا دیگر یقین دارم که زندگی ابدی در دل خانه و دانشگاه جریان ندارد. زندگی همین سفره‌ی شام با سه متهمی است که برای هیچ کدامان اهمیت ندارد به چه جرم و اتهامی در

سپیدار شب را به صبح می‌رسانیم. زندگی دقیقا در راهروی زندانی جاریست که زنی با شکم برآمده از آن خندان و آرام عبور می‌کند (می‌آید) لیز بخورد) یکهو قهقهه‌اش بلند می‌شود و زیر لب می‌گوید: «لگد می‌زند»...

من درست در قلب زندگی در بندی که نامش نرگس است شعری از محمود درویش را برای هم‌بندی‌ام می‌خوانم. سپس برای نوزادی لالایی می‌خوانم که چند ماه پیش همین جا به دنیا آمده است

ای بهترین رنگ در سیاهی ممتد، این‌ها را نوشتم تا بدانی حالم بد نیست. به زودی بهار از راه می‌رسد. همه‌تان را به طبیعت و گل‌های لاله و بنفشه می‌سپارم.

سبیده از سپیدار
۹۷/۱۲/۲۰ - بند گل نرگس

پیام تسلیت و همدردی راحله راحمی پور با داغداران سیل زده



در بهاری که قرار بود برای ما یاد آور شادمانی و سرسبزی باشد بناگاه قهر طبیعت مصیبت آفرید. دیروز گلستان و مازندران عزادار و مصیبت زده شد، امروز شیراز و لرستان و شهرهای جنوب. من صمیمانه خودم را در غم و اندوه هموطنان داغدارم شریک می‌دانم. به عنوان مادری که سالهاست داغ عزیزان را در سینه حمل می‌کنم، خودم را در کنار مادران و پدران و فرزندان داغدار احساس می‌کنم. از همه هموطنانم می‌خواهم که با هرچه در توان دارند به صورت جمعی و فردی به کمک مصیبت دیدگان بشتابند کمک‌هایشان را به صورت



آدرس‌های تماس با حزب کمونیست کارگری:



سایت حزب: www.wpiran.org
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran
تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:
۰۰۴۴۷۳۵۵۶۲۴۴۲
ایمیل: tamas.wpi@gmail.com
تلگرام: [@sazmande](https://t.me/sazmande)
سایت: www.sazmandeh-wpi

تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com
تلگرام: [@kanaljadid](https://t.me/kanaljadid)
پیامگیر: 0013108569897

کمیته کردستان حزب

سایت: www.iskraa.net
تلگرام: <https://t.me/komitekordestan>
ایمیل: nasan.nodinin@gmail.com
فیسبوک: www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری، ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: komitexarej@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام: https://t.me/jk_org/
اینستاگرام: <http://instagram.com/javanan.komonist>
فیسبوک: <https://www.facebook.com/cyo.sjk>

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

کمیته آذربایجان حزب

ایمیل: komiteazarbaijan76@gmail.com
فیس بوک: [facebook.com/sahandazadiwpi](https://www.facebook.com/sahandazadiwpi)
کانال تلگرام: [@KSahand](https://t.me/KSahand)

کانال تلگرام انجمن مارکس:
<https://t.me/anjomanmarx>

از صفحه ۴ نگاه هفته: مجموعه اخبار ...

محبوبیت گردان شوان و کسب اعتماد در میان کارگران و مردم محروم به آسانی بدست نیامده بود. این رزمندگان کمونیست، در میدان نبرد با دشمن درنده و نیروهای آدم‌خوار جمهوری اسلامی، که دهها بار در شهر سنجند و اطراف، در کمینگاهها و جاده‌ها به شکست کشانیده بودند، محبوب مردم شده بودند. مردم میدیدند چگونه مزدوران رژیم توسط واحدهای پیشمرگان کومه له (گردان شوان) از پای درمی آیند و در روز روشن در خیابانهای شهر سنجند مورد حمله قرار میگرفتند و افراد شرور و مزدور به محض اطلاع از حضور گردان شوان در منطقه، شب را در خانه‌هایشان بسر نمیبردند.

اما خلاصه کردن و کسب آن همه محبوبیت رفقای گردان شوان فقط به عرصه توانایی برجسته نظامی همه مطلب را ادا نخواهد کرد. آن دهها زن و مرد رزمنده کمونیست، قبل از پیوستن به تشکیلات مسلح و علنی، فعالین و رهبران عرصه‌های مبارزه توده‌ای و اجتماعی در شوراهای و تشکلهای کارگری و دانش آموزی بودند که سالها و ماهها بعد از پیروزی قیام بهمین ۵۷ در شکلگیری جریان چپ و برابری طلب نقش داشتند و علیه سموم ناسیونالیستی در جامعه مبارزه کرده بودند و در نقد جامعه سرمایه داری بعنوان عامل همه نابرابریهای اجتماعی فعالانه میکوشیدند. جایگاه سیاسی و تعلق این رزمندگان کمونیست، درگرایش و جنبش چپ و سوسیالیستی در ایران و کردستان حک شده است، گرایشی که با خواستها و شعارها و حرکت‌های علنی و اعتراضی، جنبشی برای عدالت، علیه فقر و استثمار و رهایی انسان میباشد. تعلق تشکیلاتی این عزیزان هم بر همه روشن میباشد. آنها از اعضا و کادریهای حزب کمونیست ایران که در سازمان کردستان آن حزب (کومه له) سازماندهی شده بودند فعالیت میکردند. تلاش دارودسته‌های منشعب از کومه له برای چسباندن خود به آنها، تلاشی ارتجاعی و پیشرفته است. این دارو دسته‌ها رسالتشان را علیه آن تاریخ، چپ و سوسیالیسمی تعریف کرده اند، که

این کمونیستها در دفاع از آن جان باختند. جریاناتی که مشغول تحریکات ارتجاعی ضد کمونیستی هستند، اجازه ندارند این تاریخ پر از افتخار مبارزه برای آزادی و برابری را مصادره کنند. اما از نظر مردم و کارگران پیشرو، این کمپینهای ارتجاعی، مایه نفرت مردم علیه آنها خواهد شد. چنانچه تا کنون بارها خود مردم در تلویزیون‌هایشان جواب در خور را به آنان داده اند.

جا دارد که به این واقیعت اشاره کنم که وقوع این فاجعه و از بین رفتن آن دهها انسان رزمنده قابل پیشگیری بود. علت از بین رفتن و جانباختن این رفقا نه فقط در تصمیمات غلط و دیررس روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند ۱۳۶۷، بلکه نادیده گرفتن و توجه نکردن به اطلاعاتی بود، که حاکی از تمرکز نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان و دیگر همکاران عراقی آنان خبر میداد. کما اینکه، رفیق شوکی خیرآبادی فرمانده جسور و توانای گردان شوان خبر تمرکز نیروها در مرز را بوسیله بی سیم ارسال کرده بود. اما اقدام بجا و درخور و مطابق با آن وضعیت صورت نگرفت. هنوز بعد از سپری شدن بیش از بیست سال از این تراژدی انسانی جا دارد این سوال را طرح کنیم که: فرستادن واحد نظامی کومه له به روستای بیاره و به آن منطقه جنگی و آلوده به مناسبات دیپلماتیک و نظامی مابین جمهوری اسلامی، اتحادیه میهنی و دولت

بعث عراق، تابع چه ضرورتی بود؟ اعزام نیروی نظامی ای که هیچ آشنایی با منطقه نداشتند، از امکانات توده‌ای، ارتباطی و امکانات نظامی قابل توجه و قابل اتکا برخوردار نبود. قبلا کار تشکیلاتی به معنی امکانسازي توده‌ای و اجتماعی که در طول ده‌ها سال فعالیت کومه له یکی از ارکان و ساختارهای ادامه کاری فعالیت نظامی و سیاسی ما بود، صورت نگرفته بود. از طرفی دیگر نیروهای مرتجع مذهبی و حزب دمکرات دارای نفوذ و تشکیلات بودند و متاسفانه همین فاکتور ابراز وجود، رقابت با حزب دمکرات، یکی از عاملهای اصلی آن تصمیمات غلط بود. و اغراق نخواهد بود اگر بگویم

همین دیدگاه سنتی و ناسیونالیستی از کار نظامی علت از دست دادن تعدادی پیشمرگ و کادر کومه له بود، از جمله ارسال نیروی نظامی به اورامانات و سرنوشت گردان ۲۲ ارومیه که دهها تن از آنان توسط جمهوری اسلامی و حزب دمکرات از بین رفتند. اگر پیشمرگان گردان شوان توسط بمباران شیمیایی عراق و آدمخواران جمهوری اسلامی جانباختند. اما دیدگاه و روشهای ناسیونالیستی که انسانها برایش وسیله و فقط نیروی نظامی میباشد، در آن تراژدی غم‌انگیزهم تاثیر داشتند.

هنگامیکه خواستم این نوشته را تهیه کنم، متاسفانه خبر از بین رفتن ۴ نفر در مرز ایران و عراق را شنیدم این انسانها مخالف جمهوری اسلامی بودند و توسط جنایتکاران اسلامی از بین رفتند و خانواده‌هایشان را عزادار کردند، اما سران سازمان زحمتکشان مسئول غیرمستقیم این حوادث و ماجراجویها هستند. اطلاعاتی و توجهات این سازمان هم که در رقابت فرقه‌ای اخیرا نوشته شده، هنوز نمیتواند افکار عمومی و صفوف این جریان را از ماجراجویی نظامی، ناسیونالیستی و فرقه‌ای پاک کند. فرستادن افراد بی تجربه و بی گناه به قتل گاههای جمهوری اسلامی اقدامی غیر انسانی

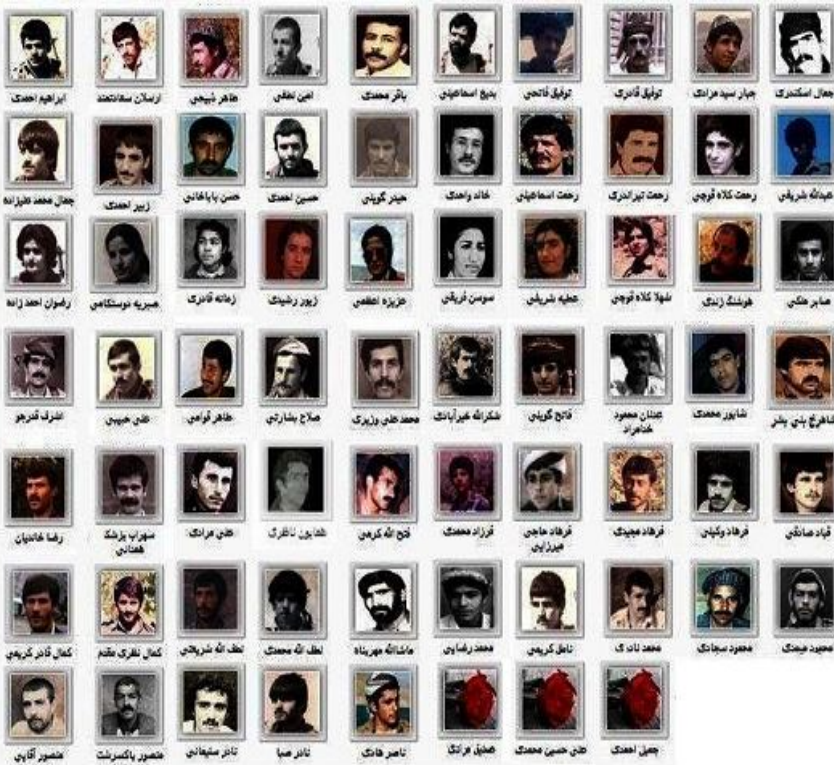
میباشد. عمر ایلخانی زاده و اطرافیانش لایق این نیستند که کسی با آنها به قصد مبارزه همراه شود، اینها نماینده تفکر و سیاست ناسیونالیستی کرد هم نیستند. یک دارودسته و فرقه کوچک که مشغول چماقداری و فحاشی علیه کارگر و چپ و از این راه امرار معاش میکنند، میباشد... باید اینها را بیشتر از این رسوا کرد.

طنز تاریخ! در گرامیداشت رزمندگان کمونیست سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، اینروزها دار و دسته‌های انشعابی از کومه له، از طیف سازمان زحمتکشان با برگزاری میزگرد در ارتباط با تراژدی انسانی از دست دادن گردان شوان اظهار نظر میکنند. سران این "سازمانها" تاریخ سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له به مصاف نادمان سیاسی طلبیده شد. اینها با اولین انشعاب بسرکردگی عبدالله مهتدی این تاریخ را در پیشگاه دو خرداد و ناسیونالیسم و باندهای جنایتکار اتحادیه میهنی، نفرین شده اعلام کردند. به افتخارات کمونیستی و دوره‌های سیاسی این سازمان بمشابه یک بخش از حزب کمونیست ایران پشت کردند. گردان شوان و رزمندگان کمونیستی که در این گردان جان باخته اند تمام عضو حزب کمونیست ایران بودند.

سوسیالیسم و آرمانهای کمونیستی و برنامه حزب کمونیست ایران جزو آرمانها و آرزوهای شیرین آنها بود. زندگی و کاراکتر سیاسی و اجتماعی این رفقای جان باخته با تاریخ حزب کمونیست ایران و آرمانهای کمونیستی و برنامه این حزب شکل گرفته بود. این جانباختگان مبارزین کمونیستی بودند که به همین نام در خاطرات مردم ثبت شدند. ایده و سیاست و اهداف کنونی این "سازمانها" حزب کومه له و سازمان زحمتکشان، دشمنی و ضدیت با آرمانها و اهداف این عزیزان است. پرداختن به تاریخ سیاسی این عزیزان و فاکتور گرفتن از سابقه سیاسی و سازمانی شان، یک شارلاتانیسم سیاسی و یک عوامفریبی است، که اینها میخواهند از شهرت سیاسی و اجتماعی عزیزان جان باخته و آن تاریخ استفاده کنند. خوشبختانه از بخت بد این سازمانها (حزب کومه له و سازمان زحمتکشان) تاریخ معاصر ایران و از جمله تاریخ حزب کمونیست ایران پر است از شاهان زنده ای که از سازندگان و فعالین این تاریخ هستند.

یاد عزیز رزمندگان کمونیست گردان شوان با ادامه آرزوهای سوسیالیستی آنها گرامی باد.

۱۴ مارس ۲۰۱۰



اطلاعیه های حزب

علیه فاجعه سیل و علیه فاجعه جمهوری اسلامی!



فاجعه سیل هر روز ابعاد دهشتناک تری بخود میگیرد. دهه نافر جان باخته اند، هزاران نفر در استان های گلستان و فارس و خوزستان و لرستان هست و نیست خود را از دست داده اند و چندین استان دیگر در معرض خطر سیل قرار دارند. این صرفا یک سانحه طبیعی نیست، یک فاجعه سیاسی اجتماعی است. جمهوری اسلامی نه تنها هیچ اقدام پیشگیرانه و بعد از وقوع این فاجعه کوچکترین اقدامی برای رسیدگی به وضعیت قربانیان آن انجام نداده است بلکه خود با جنگل خواری و زمین خواری و خانه سازی در حریم و بستر رودخانه ها و مسدود کردن مسیل ها و عدم رسیدگی به وضعیت سد ها و آبگیرها و غیره عامل اصلی در ایجاد فاجعه سیل بوده است. در این مورد نیز مثل همه موارد دیگر هدف و اساس سیاستهای حکومت نه امنیت و آسایش مردم بلکه پر کردن جیبهای کشاد مقامات و آیت الله های میلیاردی و اعوان و انصارشان بوده است.

فاجعه سیل یکبار دیگر و روشن تر و برجسته تر از همیشه بما نشان میدهد که منشاء و ریشه همه مسائل و مصائب گریبانگیر جامعه جمهوری اسلامی است. این تجربه دردناک یکبار دیگر بر مبرمیت بزیر کشیدن جمهوری اسلامی تاکید میکند. برای مصون ماندن جامعه از صدمات سیل، حکومت را باید سیل برد!

سیل و عواقب آن همچنین یکبار دیگر اهمیت همبستگی و سازمانیافتن ما مردم برای حل و فصل مسائل خود را برجسته میکند.

چند ماه قبل در اوج اعتصاب کارگران هفت تپه اسماعیل بخشی پرچم شوراها را برافراشت، از اداره هفت تپه بوسیله شورای کارگران سخن گفت و بدنبال آن اداره شورائی به گفتمان دانشجویان و فعالین جنبشهای اعتراضی تبدیل شد. تجربه سیل یکبار دیگر ضرورت و مطلوبیت اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. اگر مردم امور را در دست داشتند، حوادثی نظیر سیل اخیر در چنین ابعادی اتفاق نمی افتاد و چنین عوارض و عواقب دهشتناکی نمیداشت.

موجی که برای امدادرسانی به قربانیان سیل در جامعه به راه افتاده است، نمونه عملی متشکل شدن و فعال شدن ما مردم برای در دست گرفتن امور خود است. هم اکنون شبکه های امدادرسانی به سیل زدگان در سراسر کشور شکل گرفته و فعال شده است. این شبکه ها را باید گسترش داد، باید در برابر اقدامات حکومت برای ممانعت از کمک رسانی مردمی ایستاد و آنرا خنثی کرد، باید حکومت را مجبور کرد خسارات ناشی

از سیل را جبران کند، و در دل این تجربه باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورائی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فاجعایی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد و چپاول و بی تامینی و فقر و بی حقوقی که در جامعه بیداد میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!
زنده باد حکومت شورائی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ فروردین ۱۳۹۸، ۲۶ مارس ۲۰۱۹

مردم سیل زده گلستان و مازندران به کمک فوری نیاز دارند!



دهها هزار نفر در اثر سیل در استان های گلستان و مازندران آسیب دیده اند. هزاران نفر بی خانمان شده اند و طبق گفته مقامات حکومتی حداقل ۵۰۰ مسکن تخریب شده است. اما مسئولان حکومت اعلام کرده اند که تنها ۲۹۵ نفر اسکان موقت داده شده و برای ۳۴۷ نفر اسکان اضطراری در نظر گرفته شده است! کمترین امکانات در اختیار سیل زدگان قرار گرفته است. معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان گفته است دسترسی به ۲۲ هزار عشایر گلستانی امکان پذیر نیست و عمق فاجعه هر لحظه بیشتر میشود. حکومتی که میلیاردها دلار صرف تسلیحات اتمی و موشکی کرده است توان دسترسی به چند هزار سیل زده و کمک رسانی به آنها را ندارد!

روشن است که جمهوری اسلامی و رسانه های متفورش ابعاد مساله را هیچوقت بیان نمیکنند. دهها هزار نفر احتیاج به کمک فوری دارند. جمهوری اسلامی را باید در سراسر کشور تحت فشار قرار داد که بلافاصله کمک های لازم را تحت نظارت خود مردم به سیل زدگان اختصاص دهد.

مصائب سیل تماما به عهده حکومت است. جمهوری اسلامی ۴۰ سال فرصت داشته است که با اقدامات پیشگیرانه از صدمات سیل در این استانها جلوگیری کند. میتوانست از قبل به فکر تامین کمک رسانی فوری به مردم در شرایط اضطراری شود. اما حکومت مفتخوران اسلامی بجای این، فعالین محیط زیست را که بارها نسبت به این مصائب هشدار داده اند به زندان می اندازد. نه اقدامی برای پیشگیری از این مصائب میکند و نه موقع بروز این حوادث کار چندانی میکند.

هنوز مردم زلزله زده کرمانشاه در سخت ترین شرایط زندگی میکنند و ارگان های حکومتی حتی مانع کمک رسانی مردم به آنها شدند، کمک های مردم را مصادره کردند تا به عنوان کمک حکومت به مردم بدهند و یا کمک ها را بالا کشیدند و در بازار فروختند.

حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که مستقیما به یاری سیل زدگان بشتابند و با دست زدن به اعتراض جمهوری اسلامی را وادار کنند امکانات فوری و لازم را برای نجات سیل زدگان و کمک رسانی به آنها اختصاص بدهد. مسکن، غذا و پوشاک و امکانات دارویی لازم باید فوراً توسط حکومت تامین شود، مسکن های آسیب دیده بطور کامل باید توسط حکومت بازسازی شود، و کلیه خسارت هایی که مردم دیده اند جبران شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ فروردین ۱۳۹۸، ۲۲ مارس ۲۰۱۹

جمهوری اسلامی کمک های مستقیم مردم به سیل زدگان شمال کشور را ممنوع کرد
کمک رسانی مستقیم مردمی را باید گسترش داد

دادستان جمهوری اسلامی با بیشرمی تمام اعلام کرده است که هرگونه جمع آوری کمک های مردمی برای استان های سیل زده گلستان و مازندران جز از طریق حساب های رسمی جمعیت هلال احمر و کمیته امداد ممنوع است. جمهوری اسلامی علت این تصمیم را سودجویی برخی افراد عنوان کرده است.

کمتر حکومتی اینچنین وقیحانه و آشکارا کمک رسانی مستقیم مردم به هموعانانشان را ممنوع میکند و خود دست به اقدام عاجلی برای حل معضلات مردم نمیزند. حکومتی که بعد از چند روز هنوز اقدام چندانی برای دهها هزار مردم سیل زده استان های گلستان و مازندران نکرده و حتی خبررسانی درستی انجام نداده و یک صدم امکانات لازم برای رفع نیازهای فوری

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه های حزب

از صفحه ۶

مردم را در اختیارشان قرار نداده است، حکومتی که پس از ۱۶ ماه زلزله در سر پل ذهاب و ۷ سال پس از زلزله ورزقان در آذربایجان غربی همچنان مردم این منطقه را در محرومیت کامل نگهداشته و از تامین ساده ترین نیازهای آنها از جمله مسکن و تغذیه و سایر هزینه های زندگی مردمی که همه چیزشان را از دست داده اند، سر باز زده است، حکومتی که تمام ارکان ها و مقاماتش غرق در فساد و دزدی و رشوه خواری و کثافت هستند، سودجویی برخی افراد را بهانه قرار داده تا جلو موج همبستگی انسانی را بگیرد.

جمهوری اسلامی از همبستگی مردم وحشت دارد. باید این همبستگی را گسترش داد. موج حمایت مردم از سیل زدگان شمال کشور باید براه بیفتد. تنها در صورت اعتراض وسیع مردم است که جمهوری اسلامی امکانات بیشتری به سیل زدگان گلستان و مازندران اختصاص خواهد داد و قادر به مقابله با کمک مستقیم مردم نخواهد شد. بدون اعتراض وسیع مردم، حکومت به داد سیل زدگان نخواهد رسید. همچنان که به داد مردم سر پل ذهاب و ورزقان و بم نرسید. مردم اینرا میدانند و به همین دلیل خود دست به کار میشوند. مردم کوچکترین اعتمادی به حکومت و ارگان ها و مقامات و آیت الله های مفتخور ندارند و این ابلاغیه های حکومتی را نیز دور خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور و بویژه در

زنده باد انسانیت و همبستگی انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ فروردین ۱۳۹۸، ۲۴ مارس ۲۰۱۹

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری برای تامین هزینه های ویژه ای که در این دوره با آنها مواجه است، به حداقل ۵۰ هزار یورو نیاز دارد. کلیه اعضا و دوستان حزب و همه کسانی را که قلبشان برای آزادی از شر حکومت اسلامی و نظام گنبدیده آن میتهد فرا میخوانیم که به این فراخوان جواب مثبت بدهند و حزب را یاری دهند.

کمک های خود را میتوانید به یکی از شماره های زیر واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدهای حزب کمک خودتان را به حزب برسانید.

شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontour: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:
England
Account nr.
۴۵۴۷۷۹۸۸
۶۰-۲۴-۲۳sort code:
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
۴۷۷۹۸۸ IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

از ایران:
تماس با حزب کمونیست کارگری:
از طریق واتس آپ و ایجو: ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۰۵۱
tamas.wpi@gmail.com

آدرس تماس در کانادا:
بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸
babakyazdi2@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250
E-mail: abdulgolparian3@gmail.com

فرار برهم صالح رئیس جمهور عراق از حمله و خشم مردم داغدیده شهر موصل

عبدل گلپریان

در گیرودار فاجعه سیل در شمال ایران و دیگر وقایع قابل پیشگیری که هر روز در سایه حاکمان و مفتخوران مافیای اسلامی اتفاق می افتد، خبر غرق شدن يك قایق در رودخانه دجله در موصل عراق انعکاسی نداشت.

روز پنجشنبه اول فروردین در اثر غرق شدن يك قایق گشتی تفریحی متعلق به شهرداری موصل که با دریافت مبلغ ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار از هر مسافر و انتقال آنان از بخشی از شهر موصل از طریق رودخانه دجله به قسمت دیگری از شهر، بیش از صد نفر جان خود را از دست دادند.

برهم صالح رئیس جمهور عراق و عضو رهبری اتحادیه میهنی کردستان عراق پروال ژست و فیکور سران کشورها که برای شیره مالیدن بر سر مردم سرو کله شان در صحنه واقعه پیدا میشود به اصطلاح برای ابراز همدردی به محل رفت. او با بلند کردن پلاکارد یکی از معترضین خواست ادای همدردی با آنان را از خود درآورد که از سوی مردم خشمگین و خانواده کسانی که جانشان را از دست داده بودند مورد حمله قرار گرفت. مردم با هر چه که دم دست داشتند شیشه های اتومبیل حامل او را شکستند که در



عراق هستند که با تقسیم پست و مقام بین دارودسته های قومی، عرب، کرد و اسلامی زندگی

میلیونها انسان در عراق را ساهاست که به جهنی بتمام معنا تبدیل کرده اند.

این تازه بدوران رسیده های مرتجع و تاریخ مصرف گذشته را باید انداخت تا کارگران و مردم بتوانند موقعیت واقعی خود را برای تامین يك زندگی شایسته انسان امروز بازیابند. تحقق این امر تنها توسط کارگران، شوراهایشان و حزب رزمنده و کمونیستی شان در صحنه سیاسی عراق ممکن و میسر است.

انقلاب در ایران و سرنگونی حکومت اسلامی بدون تردید روند مبارزات مردم عراق و کل منطقه علیه این دارودسته ها را دستخوش تحول عظیمی خواهد کرد.

۲۳ مارس ۲۰۱۹

۳ فروردین ۹۸

نتیجه او و همراهانش ناچار شدند با فضاخت هرچه تمامتر از محل برگزیند.

مردم ستمدیده شهر موصل سه سال گرفتار دست خلافت اسلامی عراق و شام (داعش) بودند که شهر، زندگی و تمام هستی شان نابود و تباہ شد. اکنون که داعشی در موصل در کار نیست باز هم این مردم هستند که در سایه احزاب حاکم عراق و دیگر سران عشایر و قبایل قومی کرد و عرب و دیگر جریانات اسلامی شیعه و سنی همپیمانان باید همچنان تباہی را تجربه کنند.

همانطور که مسئولیت هر گونه واقعه قابل پیشگیری در ایران بر عهده حاکمان و مافیای دزد و چپاولگر اسلامی است، مقصر و بانی واقعه موصل و بانی تمامی مصائب زندگی مردم در عراق نیز کاربدستان انگل و مفتخور حاکم بر

حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی درگیر در صحنه امروز کردستان عراق و افتخای ضد مردمی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند.